

متن پرسش

سلام استاد: متنی نوشته بودم و می‌خواستم نظر شما را در این باره بدانم:

به نام پروردگار حیات مرگ و حیات و مرگ و زندگی می‌گذرد، ایام در این شهر و در هر شهر دیگری می‌گذرد، چون باید سپری شود اما اینکه چگونه می‌گذرد نیز مهم است. این‌جا، این‌جایی است که ما هستیم و همه و همه زنده‌اند، یعنی می‌بینیم که مردم راه می‌روند حرف می‌زنند می‌خندد گریه می‌کنند و نشان از حرکت و بودن خود می‌دهند، اما آیا هستند؟! می‌خواهم بدانم که آیا واقعا هستند؟ آیا فقط زنده اند یا حیات هم دارند؟ شهر در عین زندگی، مرگ است.

(هم از سکوت گریزان، هم از صدا بیزار / چنین چرا دلتنگم؟! چنین چرا بیزار؟ / زمین از آمدن برف تازه خشنود است. / من از شلوغی بسیار ردّ پا بی‌زار / قدم زدم! ریه‌هایم شد از هوا لبریز / قدم زدم! ریه‌هایم شد از هوا بی‌زار / اگرچه می‌گذریم از کنار هم آرام / شما ز من متنفر، من از شما بی‌زار / به مسجد آمدم و ناامید برگشتم / دل از مشاهده تلخی ریا بی‌زار، / صدای قاری و گلدسته‌های پژمرده / اذان مرده و دل‌های از خدا بی‌زار / به خانه‌ام بروم؟ خانه از سکوت پر است، / سکوت می‌کند از زندگی مرا بیزار / تمام خانه سکوت و تمام شهر صداست! / از این سکوت گریزان، از آن صدا بی‌زار. فاضل نظری)

آیا شما جایی را سراغ دارید که حیات هم باشد، من جایی را سراغ دارم جایی که این روزها بعد از مدت‌ها آمده تا حیات را معنا کند و آن را به تمام جهان هبه کند؛ غزه و ملت بزرگ فلسطین، نواری که شاید در این ایام خیلی‌ها آن را نوارِ مرگ، نوارِ نیست و نابودی نامیدند؛ اما در این نوار، از دل ویرانی‌ها آبادی‌ها رشد می‌کند و نسیم بوی مرگ، حیات می‌بخشد و عزرائیل همچون دوستی قدیمی امانتش را می‌گیرد و حیات می‌بخشد. حالا این نوارِ کوچک غزه تمام وجود و حیات است و جایی بیش از اینجا صفا ندارد. شب‌ها با نور موشک و انفجارها، شهر روشن می‌شود و روزها، بچه‌ها با صدای آژیر آمبولانس چشم به امید شهادت باز می‌کنند و شکر می‌کنند در اینکه در برابر این مصیبت خداوند صبر و مقاومتی بی‌نظیر را برایشان هدیه کرده است، و شکر می‌کنند با قرآن، گویا که قرآن آنجا دارد معنا می‌شود، گویا نوارِ غزه شده زبان قرآن و در زیر سایه حق، گویا قرآن ناطق شده است. و اینجاست ظهور و بروز و حضور حیات. آنجاست که دشمن هرچه می‌خواهد تو را نابود و نیست کند، تو باز هستی و حتی بیشتر از قبل!! مگر کسی شک دارد که شهید حاج قاسم کاری کرد که سردار حاج قاسم نکرد!! و اینجا فرق حیات و زندگی را این شهید معنا می‌کند. اگر به حیات برسیم پایانی برای خود متصور نیستیم، ولی اگر به زندگی برسیم منتظر پایان تلخِ مرگ هستیم. غزه، زبان گویای قرآن، حیات دارد و

پایانی ندارد و هست و حیات دارد و حیات دارد و هست.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! هرکس هر کجا که می‌خواهد باشد. اگر در جبهه‌ای که حق در مقابل باطل قد برافراشته حاضر نباشد، هیچ کجا نیست. زیرا در آن جایی که زندگی جریان دارد، حاضر نبوده است. همین طور که می‌فرمایید امروز از نوار غزه، آهنگ زندگی به گوش می‌رسد و این است آن کابوسی که صهیونیست‌ها می‌خواستند با شهادت مردم غزه آن را بمیرانند ولی هرچه بیشتر آن مردم را شهید کردند، آن کابوس به آن‌ها نزدیک و نزدیک‌تر شد. موفق باشید